



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی




پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کتابخانه و مرکز اسناد  
پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# گردونه خورشید یا گردونه مهر






مقدمه


این نشانه  که صلیب « چلیپا » شکسته نامیده شده است، در حقیقت صلیب شکسته نیست زیرا نه تنها در کیش مسیحی بدیده احترام نگریسته نشده است، اصولاً ابعاد چلیپا بیک اندازه نیست و تنها دو خط آن باهم برابر است و بیشتر به اندام انسانی میماند که دستها را گشوده باشد. در نتیجه فاصله نقطه اتصال گردن به شانه (الف) تا تارک (ب) و نیز فاصله همین نقطه تا کف پا (ج) نمیتواند برابر باشد. لیکن فاصله های طرفین (افقی) که نموداری از وضع قرار گرفتن دستها میباشد برابر است.



بسم

سر هنگ ستاد: نصرت الله بختورتاش  
(دکتر در حقوق و علوم سیاسی)

ما به این شکل  الف صلیب میگوئیم و اگر آن را در جهت خمیدگیهای علامت مورد پژوهش بشکنیم باین صورت  درمیآید که باین نشانه  اختلاف فراوان دارد.

گاهی نیز بعلمت آنکه هیتلر این نشانه را «» در حزب نازی بکار برده و بر روی بازوان هموندان حزب و نیز سربازان SS قرار داشت، و از آن جهت که نازیها پیکاری سخت و آشتی ناپذیر را بایهودیان آغاز کرده بودند آن را «ضدیهود» خوانده اند.

باید دانست که این نام گذاری هم درست نیست و تنها یک اصطلاح نابجا میباشد. و از آنجا پیدا شد که: شناخت کلی این علامت با آوازه ستیزه و پیکار با یهودیان یکجا فراهم آمد و در نتیجه ذهن مردم این نام را ساخت و پرداخت. لیکن این نشانه، یک نشانه آریائی است. در ایران و هند پیشینه دارد و با احتمال بسیار قوی از ایران بر اثر ارتباط و رفت و آمد های سیاسی، اقتصادی و تماسهای نظامی دوران باستان به یونان رفته است و سپس نازیها در دوران قدرت خود که تعصب و فلسفه برتری نژادی را میستودند، تبلیغات و آموزشهای خود را متوجه این امر کردند و باین علامت ارزش سمبولیک دادند.

### خدایان بی شمار

برای انسان نخستین مشکل بود و شاید نمی توانست یا نمی خواست که بپذیرد و باور کند، هر گ یک پدیده طبیعی و نتیجه گر گونی دستگاه بدن و سرانجام تحول زندگی است. از این رو همواره برای هر گ چه در نزد پیران و چه در نزد جوانان معتقد به تحول قوای بدنی و واکنشهای فیزیکی نبود، بلکه بآن حالتی ماوراء الطبیعه و متافیزیکی و آسمانی میداد و

همواره تیره های پراکنده بشر در اندیشه حفظ زندگی و ادامه حیات و در نتیجه نیازهای آدمی بوده اند ، چنانچه وسائل مردگان ، خوراک و گاهی زنان آنها را بخاک می سپرده اند .

ترس از مرگ یعنی این پدیده طبیعی ، ترس از عوامل طبیعت و نیز ترس از ناشناخته ها و نادانسته ها در بیشتر موارد منشاء و پایه دین شده است. بدینسان کوههای سرکش و آتشفشان، دریاها و موج، رودهای پرطغیان و مانده های آن در خور ستایش شده اند .

باعتماد پیشینیان نه تنها انسان دارای روح بود بلکه اشیاء و جهان خارج نیز روح داشت .

زمانی ماه که امروزه پهنه پژوهشها و کاوشهای علمی انسان بلند پرواز گردیده است ، پرستش میشده و روزگار دیگری شاید آن هنگام که بشر بزندگی کشاورزی گرایش پیدا کرد و دریافت که خورشید سبب بارآوری زمین و پرورش گیاهان و موجب گرم کردن و نیرو بخشیدن انسان میشود ، خورشید ستایش شده است . افسانه های مربوط به خورشید با وضع شیرین و مناسبی با ترادادهای کشاورزی و دام داری در آمیخت . خورشید زمان درازی نه تنها در فراخنای آسمان حکومت میکرد ، بلکه دلهای مردم را نیز تسخیر کرده و جذبه حیات آفرین و پرتو زرین و خیال پرور آن موجد آئین خورشید پرستی گردیده است . شیفتگی انسان در زندگی به خورشید یا الهه درخشان آسمان ، بزمان مرگ نیز رسیده و به نشانه بزرگداشت و نیایش این گوی آتشین فلک که زمانی دراز خدای بی رقیب آسمان بی پایان بوده است ، انسان تنها باین اکتفا نکرده که در زنده بودن خود در خانه خود را رو به خورشید بسازد و یا روبه خورشید نماز بگزارد ، بلکه تمایل شدیدی نشان داده است که پس از مرگ هم ارتباط خود را با خورشید بعنوان يك سنت مذهبی حفظ کند .

گورهای بسیاری دیده شده که رو بتابش آفتاب دارد و بشکل ویژه‌ای درآمده است. یعنی گورها یا خمره‌هایی که مردگان را در آن می‌نهادند در دوره ماقبل تاریخ و در دوره مهرپرستی (میترائیسم) از گردش خورشید پیروی کرده و بایک محاسبه دقیق و مشاهده آگاهانه در گورستانهای خمره‌ای میتوان لحظه مرگ یا زمان بخاک سپردن مردگان را بدست آورد. و این آخرین نشانه تجلیل و ستایش از خورشید یعنی خدای آسمان میباشد، خدای درخشان و آتشی که هنوز با همان غرور و عظمت بر غبار پرستندگان خویش میتابد و مینگردد.

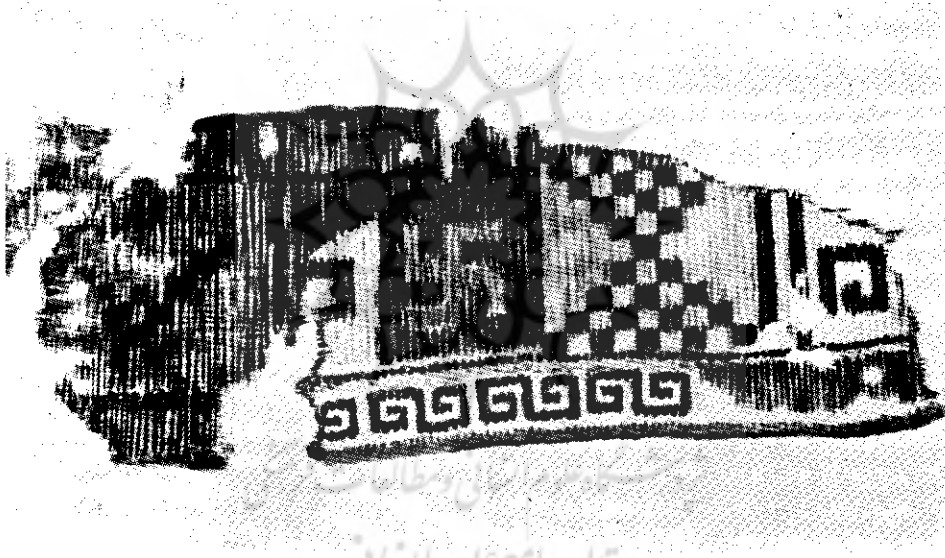
انکسا گوراس «Anaxagoras» دانشمند یونانی را که عقیده داشت خورشید خدا نیست بلکه کره درخشان و آتشی است، مردم ناسزا گفتند و با او بمخالفت برخاستند و سرانجام از خانه و کاشانه و شهر خویش آواره‌اش کردند. بیشتر ستارگان، عناصر چهارگانه، جانوران، رودها، کوهها، درختها، حتی آسمان، روزگاری پرستش شده‌اند، زیرا بعقیده مردمان یا خود خدائی توانا بوده و یسا آنکه محتوی خدایان بوده‌اند. واژه زئوس «ZEUS» که خدای یونانیان باستان است بمعنی آسمان میباشد.

طلسم و جادو و سحر، قربانیهای انسانی و حیوانی و نظر قربانیها، همه برای آن بوده‌است که بشر خود را از هراس نیروهای ناشناخته ماوراءالطبیعه حفظ کند. آنگاه که ترس و وحشت و اضطراب شدت گرفته است، این نیروها بچهره خدایان درآمده و پرستش شده‌اند و ما حاصل این پرستشها بصورت سنت‌هایی به عصر ما رسیده. بنابراین سازنده دین فطرت انسان است که در کاوش و جستجو است و در برابر اضطراب و دلهره، عواطف، تنهایی و هراس، پناهگاه مطمئن و جاودانه را میجوید و در این تکاپوی خستگی ناپذیر و گسترده گاه بمظاهر و نشانه‌ها که معرف و مظهر اعتقادات و باورهای او است دل میسپارد و با نیت پاک و حضور ذهن مراسمی را بجا می‌آورد.

## پژوهشی در ره آورد کاوشگران

این علامت « **𐎧𐎡𐎴** » نخستین بار در حدود خوزستان یافت شده و مربوط به پنج هزار سال پیش از میلاد می باشد و با این ترتیب پیشینه تاریخی آن در ایران با احتمال بسی کهن تر از سابقه آن نزد آریائیان هند است و هر تسفلد Herzfeld آنرا « گردونه خورشید » نامیده است.

در گرمی مغان آذربایجان گورهای خمره ای از دوره اشکانی بدست آمده است که در میان آنها تکه پارچه ای بسیار زیبا با این نقش دیده میشود.

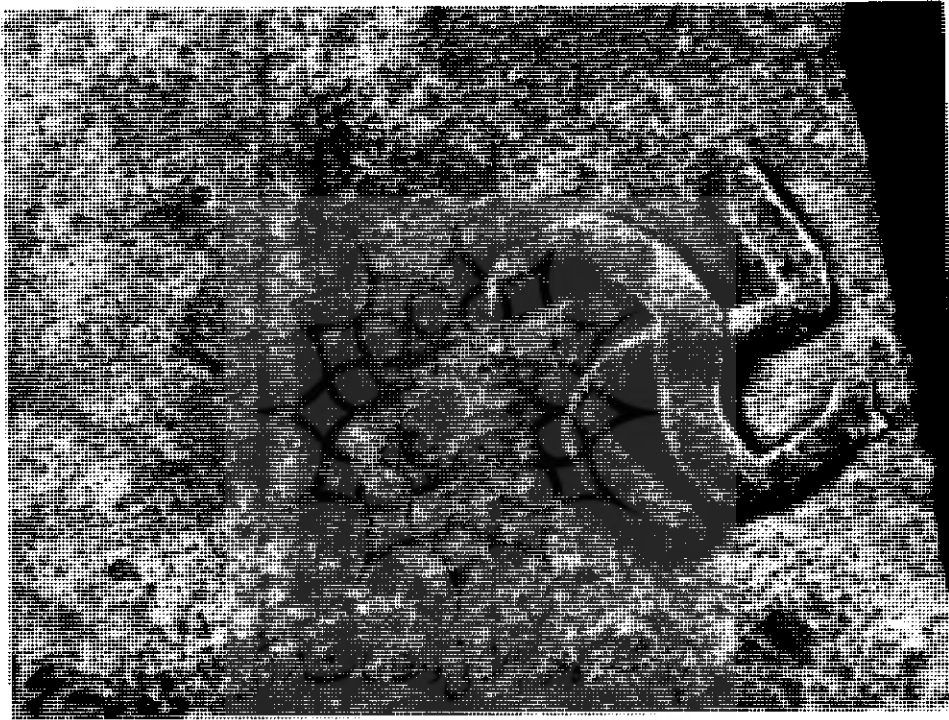


شکل ۱  
رنگار جهان عظیم انسانی

پارچه دوره اشکانی که از گورهای خمره ای گرمی مغان بدست آمده است

همچنین این نگاره بردهانه پاره ای از خمره های سفالین که مرده ها را در آن دفن می کرده اند دیده شده است. وضع این خمره ها نشان میدهد که آنها را به شیوه ای در دامنه تپه ها و کوهها در خاک می گذارده اند که معمولا در دامنه تپه یا کوهستان رودخانه ای روان بوده و دهانه خمره ها رو بخورشید است.

قطعه سفال خمره‌ای مربوط به دوره اشکانیان در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در گرمی آذربایجان بدست آمده است که این نقش بر روی آن بطور برجسته و زیبادیده میشود، این سفال در نهایت استحکام و زیبایی ساخته شده و در موزه ایران باستان بشماره «۳۴۰۵» ثبت است. (شکل ۲)

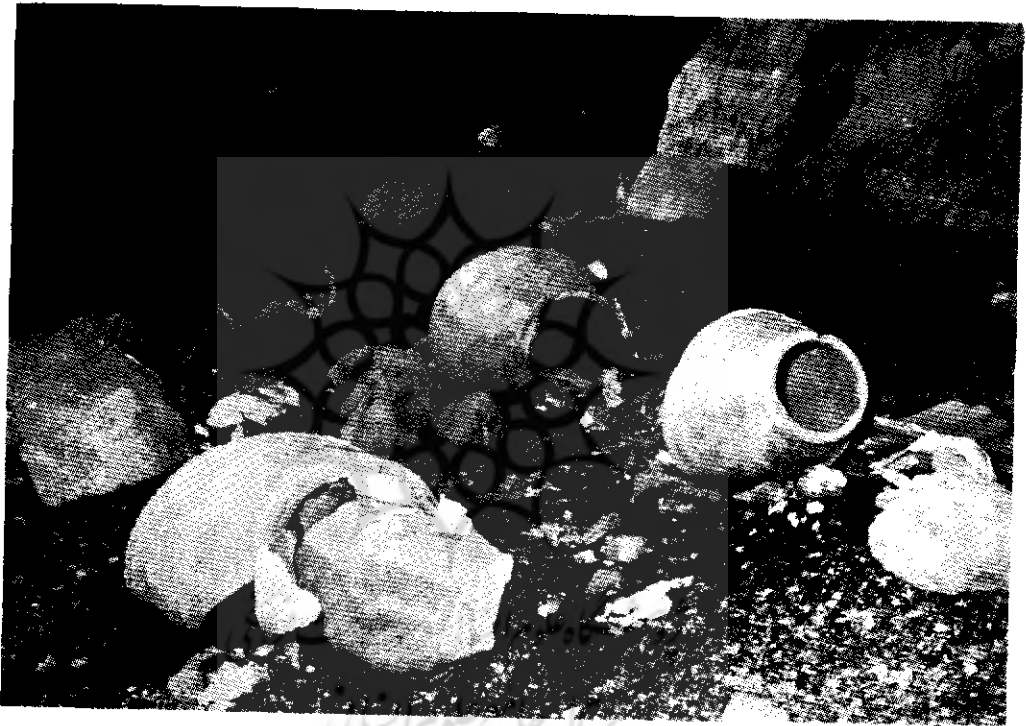


شکل ۲

اخیراً با اقدامات سودمندی که در جهت عمران و آبادی طاق بستان کرمانشاه بعمل آمده است در حین عملیات عمرانی به آثار باقیمانده از یک ساختمان و دو گورستان خمره‌ای برخورد کرده‌اند. این خمره‌های کوچک و بزرگ که هر یک محتوی یک جسد است بفاصله تقریباً ۵۰۰ متر از آثار تاریخی طاق بستان در جهت شمال شرقی قرار دارد و بطوریکه در شکل دیده میشود دهانه خمره‌ها که هم اکنون نیز استخوان مردگان در درون آنها وجود



دارد بسمت‌های مختلف می‌باشد، زیرا از گردش آفتاب پیروی کرده است. کیفیت گورستان نشان می‌دهد که این گورستان ممتد و وسیع است و چون مرکز مهرپرستان از شمال به شمال غرب و غرب کشور ایران بوده است، بی‌شک این ساختمان که در آن سنگ بکاررفته و گورستان مزبور مربوط به دوره مهرپرستی می‌باشد.



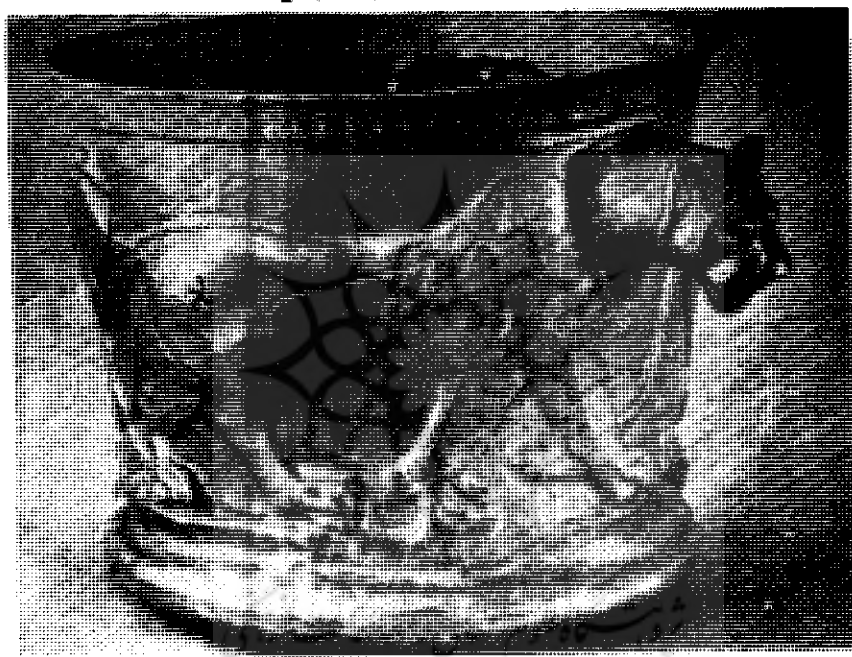
شکل ۴

گورهای خمره‌ای، از گورستان طاق بستان

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی که کارهای ساختمانی کاخ‌شاهی کلاردشت به پایان رسیده بود معمار کاخ بر اثر دقت نظر متوجه می‌شود که استخر کاخ آب‌نگه نمی‌دارد و برای تعمیر و تکمیل استخر اقدام می‌کند. در هنگام تعمیر در کف استخر به زمین نرمی برخورد می‌نمایند که پس از کاوش در زیر آن سردابی نمودار می‌شود. کاوشهای پرداخته در سرداب چند جسد و گنجینه ارزنده‌ای را ارائه داد. از جمله

کاسه زری بدست آمد که بر آن پیکره‌های شیر که خود جانور شکوه‌مندی نزد آریائیها میباشد و شکل آن نماد ایرانیان است دیده میشود. در شکل

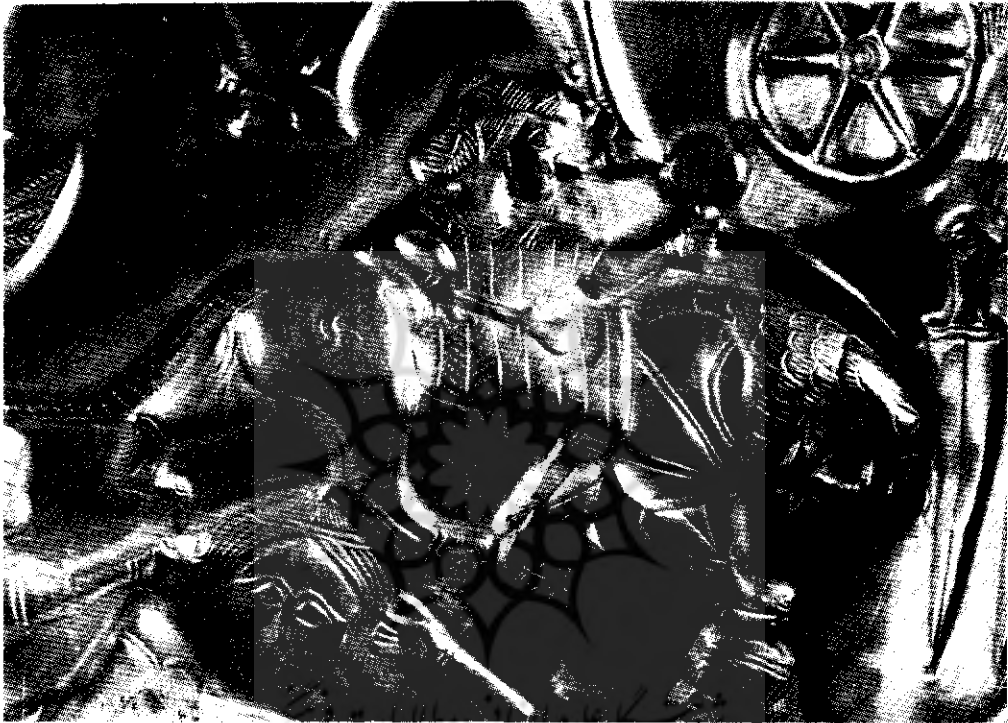
زیر بر سرین « کپل » شیرها این نقش بخوبی نمودار است.



شکل ۴

شیر بر جام زر کلاردشت ، نقش چلیپای شکسته بر ران شیر دیده میشود  
کاسه زرین زیبائی در روز پنجشنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۳۳۷ خورشیدی در  
کاوشهای تپه حسنلو که در جنوب باختری دریاچه رضائیه واقع است بدست  
آمده که از هر نظر قابل توجه میباشد. روی این کاسه نگاره‌های زیادی دیده  
میشود . یکی از این نگاره‌ها نقش شیر و شیربان است. مرد شیربان افساری بر  
سر شیر زده و بر پشت جانور جسور و نیرومند زینی گذارده که با تسمه‌ها  
وسینه بند بسته شده ، که خود معرف چیرگی انسان بر جانوران و بهره

برداری از آنها است، و یا شاید شیر را رام کرده و بر آن سوار میشده‌اند و مانند اسب مورد استفاده بوده است. در این جام نیز بر ران شیر نقش **𐎧𐎡𐎴** دیده میشود.<sup>۱</sup>



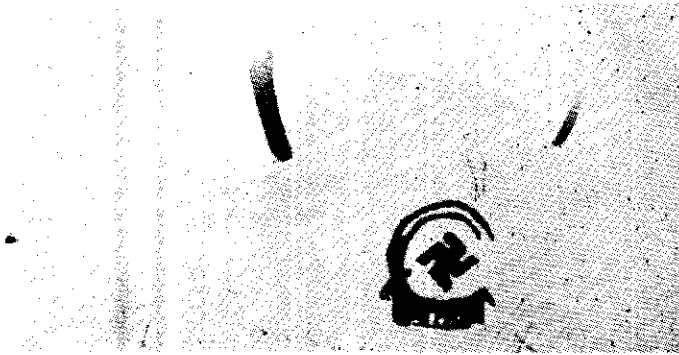
شکل ۵ جام تپه حسنلو

چون این کاسه با کاسه زرین کلاردشت هم زمان بوده و مربوط به سده هشتم تا دوازدهم پیش از میلاد است، این خود دلیلی است بر کهن بودن این نشانه در ایران.

همچنین در شوش قطعات سفالهایی بدست آمده که دارای نقش بز کوهی است و در درون خمیدگی شاخ بز کوهی این نگاره **𐎧𐎡𐎴** دیده میشود. این سفالها از هزاره چهارم پیش از میلاد میباشند.

۱- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به مجله وزارت امور خارجه شماره ۸ سال ۱۳۳۷

کاسه سه هزار ساله از زرناب، بقلم سید محمد تقی مصطفوی.



شکل ۶

نقش بزکوهی برسفال ۲

گردن بند عقیق زیبایی بامهره های ریز و درشت مربوط به دوره اشکانی در کاوشهای باستان شناسی سال ۱۳۴۵ خورشیدی در جوبن گیلان بدست آمده که بر روی مهره های این گردن بند نقش گردونه خورشید بارنگ سفید در نهایت زیبایی و استادی باشکل هندسی منظم ملاحظه می شود. این گردن بند بشماره ۱۹۳۹۴ در دفتر موزه ایران باستان ثبت است.



شکل ۷ - بخشی از گردن بند اشکانی

۲- عکس از مقاله نقش بزکوهی برسفالهای پیش از تاریخ، غلامرضا معصومی

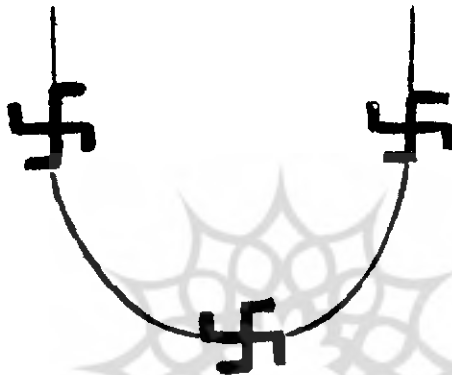


شکل ۷  
گردن بند اشکانی

آقای شهید زاده ریاست موزه ایران باستان<sup>۳</sup> در کاوشهای رودساز  
گیلان گردن بند زرینی یافته‌اند که سه نقش برجسته گردونه خورشید  
از زربافو اصل منظم و دقیق در آن بکار رفته است. این گردن‌بند بسیار

۳- از راهنمایی ایشان در تهیه عکس‌های مربوط به موزه سپاسگزارم.

زیبا و ارزنده و دیدنی است. از ایشان خواهش کردم که عکسی از آن بمن بدهند. چون خود درباره این کاوشها کتابی در دست تهیه دارند از انجام این تقاضا پوزش خواستند، ولی چون آنرا مشاهده کرده‌ام طرح تقریبی آنرا تهیه و در اینجا می‌آورم.



شکل ۸

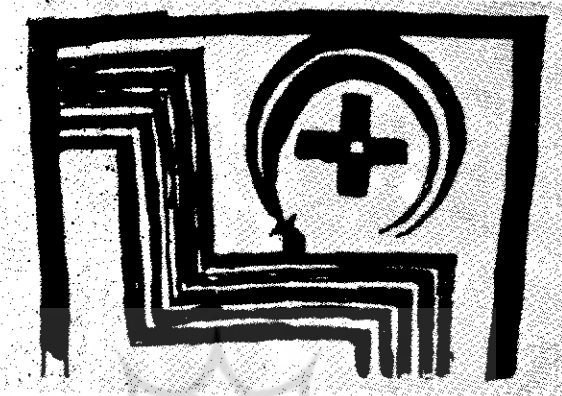
طرح گردن بند یافت شده در رودبار گیلان

گردونه خورشید نخست باین شکل بوده و کم

خطوط منحنی حذف شده، گاه بصورت «+» و گاه با خطوط شکسته ولی با زوایای قائم «⊥» ترسیم شده و شکل هندسی وتر کیب کامل یافته است.

اقوام باستانی بسیاری از جانوران را می‌پرستیدند و از اینجا توتمیسم Totemisme بوجود آمده است. یکی از این حیوانات بز کوهی است که مظهر سودبخش و سودرسان طبیعت، یعنی خورشید بوده است. این نقش بر ظروف باز مانده از سده‌های پیش از میلاد دیده شده و مهمتر از همه رابطه‌ای است که مردم باستانی میان هلال ماه و خورشید و شاخ بز کوهی قائل بوده‌اند.

در بسیاری از سفالها در میان انحنای شاخ این جانور و نیز بر پشت آن نشانه  $\perp$  یا  $\perp$  دیده میشود.<sup>۴</sup>



شکل ۹

مثلاً بر لیوان سفالین مربوط به ۳۱۰۰ سال پیش از میلاد که در سیلک کاشان بدست آمده است نقش  $\perp$  در زیر انحنای شاخ گوزن وجود دارد.<sup>۵</sup>



لیوان سفالین

شکل ۱۰

۶ و ۵ - عکس از مقاله، غلامرضا معصومی

همچنین در شکل ۱۱ برکاسه‌های سفالینی که در تل با کون تخت جمشید بدست آمده و مربوط به هزاره چهارم پیش از میلاد است نقش «+» بچهره‌های گوناگون دیده میشود.<sup>۶</sup>



شکل ۱۱



بر ظرف سفالی پایه‌داری که در تپه حصار دامغان مربوط به ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد در کاوشهای سال ۱۳۱۰ خورشیدی یافت شده است، نقش بز کوهی با نشانه‌ای شبیه بستاره یا خورشید، در میان خمیدگی شاخ او دیده می‌شود.<sup>۷</sup>



شکل ۱۴ ظرف سفالین از دامغان

۷- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به بررسیهای تاریخی شماره ۳ سال ۱۳۴۹. مقاله نقش بز کوهی بر روی سفالهای پیش از تاریخ ایران، مقاله آقای غلامرضا معصومی.

## نگاهی به هند

بودا پیمبر بزرگ هندوان که در تجزیه و تحلیل درون انسان کوششها نموده است عقیده دارد که زندگی جهان با همه زیبایی و شیرینی بر پایه اساس «درد» پی ریزی شده است و برای مبارزه با درد بایستی «خواهشها» را ریشه کن کرد، در واقع راه ستیز و ایستادگی در برابر درد پیکار با خواهشها است. منشأ خواستها و خواهشها دل است. و این همان چیزی است که عرفای ما غلبه بر (نفس اماره) یا غلبه بر «نفس» گفته اند.

بودا آئین خود را بر شالوده چهار حقیقت عربیان بنانهاده و این چهار اصل عبارتند از:

Dukha	درد
Samudaya	شهوة
Narga	خاموش کردن آتش شهوت
Marga	راه اصلاح

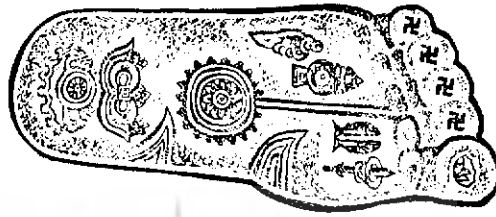
بودا هر کس را مسئول کامرانی یا ناکامی، خوشبختی یا بدبختی های خود می شناسد و منشأ بدیها را نادانی میدانند و میگویند بر اثر نادانی است که انسان به راه بد می رود و بدن سال دل سرکش می شود. وی درون تابناک و پاکیزه را بزرگترین پناهگاه اشخاص می شمارد و از این رو به تهذیب نفس می پردازد. در آئین بودائی بی ثباتی دنیا را در بر گرفته است و هیچ چیز ثباتی ندارد، اعم از جسم، احساس، ادراک، همه چیز گردان، متغیر و شعله و راست.<sup>۸</sup>

در این شعله فروزان و در این بیقراری و درد، مبارزه با شهوات و ایستادگی در برابر خواستها راه فرار از درد و سوختن و به آراش رسیدن است.<sup>۹</sup>

۸- هراکلیت دانشمند یونانی (اواخر سده ششم پیش از میلاد) بی ثباتی را اصل میدانست از این رو او را گریان یا بدبین گفته اند.

۹- برای آگاهی بیشتر به فلسفه هندو همچنین به کتاب فلسفه شرق تألیف مهرداد- مهرین مراجعه شود.

در کتاب مذاهب بزرگ جهان، تصویری است از کف پای بودا که او را در مظهر انسانی نشان میدهد. بر کف پای بودا نقوشی است که معرف عقاید و آئین و سمبلهای او است، از جمله بر چهار انگشت پای وی علامت卐 با ابعاد برابر دیده میشود.



شکل ۱۳

نقش پای بودا

طرف توجه قرار دادن چهار انگشت پا آیا نموداری از حقایق چهار گانه بودا نیست؟ افزون بر این، نگاره卐 با ابعاد مساوی بر چهار انگشت پا بشکل پروانه نشانه‌ای از متغیر بودن جهان نمیباشد؛ و اینها خود معرف چهار حقیقت بودا که گرداننده زندگی انسان و نظام جهان هستند، نیست؟

بهر حال این نشانه در کشور ایران و هند مورد توجه بود، زیرا مردم هر دو سرزمین آریائی هستند و فلسفه بودا «بودیسم» راه آریائی نیز خوانده شده است. در ایران حقایق چهار گانه بودا (درد، شهوت، خاموش کردن آتش شهوت، راه اصلاح) چندان مانند هند مورد نظر نبوده و مدتی پیش از ظهور زردشت قبائل آریائی آخشیج‌های چهار گانه (باد، خالک، آب، آتش) را گرامسی و مقدس می‌شمرده‌اند و آنرا بوجود آورنده عالم و گرداننده نظام هستی میدانسته‌اند. بنابراین کیفیت این علامت وضع دیگری پیدا میکند.<sup>۱۰</sup>

۱۰- تا تونانی بکف آری و به غفلت نخوری.

۱۰- ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند

## پژوهشی در یونان

سابقه‌های بدون نشان میدهد که یونانیان در سده‌های ششم و پنجم پیش از میلاد، زمانی رطوبت را ماده‌المواد و عنصر اصلی حیات و مایه حقیقی جانداران دانسته‌اند<sup>۱۱</sup> زمانی دیگر، هوارا عنصر اولیه شمرده و انبساط و انقباض آن را پدید آورنده عناصر دیگر میدانستند.<sup>۱۲</sup>

آتش نیز زمانی مایه حیات بوده و مرکز و محور عالم را یک کانون آتش پنداشته‌اند که زمین و خورشید و ماه و سیارات بدور آن میچرخند.<sup>۱۳</sup> همچنین در عصری عالم را ترکیبی از عناصر چهارگانه (آب و باد و خاک و آتش) ذکر کرده‌اند<sup>۱۴</sup> با بیان این مطالب باید دانست که این علامت در یونان باستان نیز سابقه دارد. بر بدنه کوزه منقوشی مربوط به تقریباً ۷۰۰ سال پیش از میلاد کارشهرتیب که اکنون در موزه آتن نگهداری میشود، در کنار نقش حیوانات و انسان نگاره‌های چندی از این نشانه وجود دارد.<sup>۱۵</sup>



شکل ۱۴

کوزه یونانی با نقش

۱۲- انکسیمانوس

۱۱- طالس میلیتی

۱۴- امیدوکل Empedocle


۱۳- فیثاغورسیان

۱۵- پروفورگیرشمن، هنر ایران در عصر ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، بنسنگاه ترجمه

و نشر کتاب، ۱۳۴۶، صفحه، ۳۳۲

«يك ظرف نوك دراز مفرغی كار لرستان در پرستشگاه الهه (هرا) در جزیره ساموس پیدا شده و يك آویز برنزی لرستان در جزیره (کرت) کشف گردیده است و هردوشی از قرون هشتم یا هفتم پیش از میلاد بوده و نشان میدهد که از قلب کشور ایران نیز مال التجارهائی به یونان برده میشد. این دوشی مفرغی که در یونان پیدا شده است حکایت از این میکند که دو راه تجارتی شمال و مغرب بجهان یونان باز بوده که از آنجا محصولات ایرانی و اورارتوئی به یونان میرفته است.

ما ادعا نمیکنیم که نقوش سفال پیش از تاریخ ایران مثلاً سفال سیلک سهم مهمی در تشکیل هنر سفال سازی یونان داشته است. ولی یادآور میشویم که بسیاری از موضوعهائی که روی سفال ایران و یونان نقش شده اند بهم شباهت نزدیک دارند. اگر این شباهت فقط در چند موضوع بخصوص و استثنائی وجود داشت مقایسه آنها اطمینان بخش نمی بود ولی تعداد سفال این دو ناحیه که بهم شباهت دارد بسیار زیاد است و توجه ما را بسوی موضوع بسیار جالبی معطوف میدارد. از اواسط قرن هشتم پیش از میلاد نقوش هندسی خشک یونانی تدریجاً راه نفوذ را برای موضوعهای جدیدتری باز مینماید.<sup>۱۶</sup>

چون هنر ایران و یونان متقابلاً در یکدیگر تأثیر گذارده اند و بنا به نوشته گیرشمن هنر ایران بخصوص نواحی سیلک لرستان تأثیر زیادی در هنر یونان بخشیده است و سابقه این نقش  در ایران قدیمی تر از سال ۵۰۰ پیش از میلاد است. با احتمال قوی این علامت از ایران به یونان رفته و ارزش نشانه‌ای (سمبولیک) پیدا کرده است.

بانگرش باین سابقه و طرز تفکر اندیشمندان یونانی و همچنین تبادل فرهنگی و ارتباطات نظامی و سیاسی که در عصر دولت هخامنشی میان ایران و یونان و مصر جریان داشته است<sup>۱۷</sup> و بنا به سنتی که از روزگاران دور نسبت به

۱۶- پرفسور گیرشمن، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی صفحه ۳۳۲

۱۷- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب بنیاد استراتژی در شاهنشاهی هخامنشی تألیف نگارنده.

عناصر چهار گانه که سازنده و پردازنده و گرداننده عالم هستی هستند احترام و تقدیس مرعی شده است، و اعتقاد باینکه از تر کیب و نزدیکی این عوامل به نسبت معین هستی و موجودیت شکل گرفته است، باید پنداشت این علامت هر شاخه یا هر خانه‌اش که به پروانه های گردنده آسیا های آبی و بادی بی شباهت نیست، جای یکی از عناصر یا مظهر یکی از عناصر بوده است که بر روی هم با گردش و چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ میکنند و حرکت و تغییر و یا حیات و ممات بوجود می‌آورند، و رفته رفته این پیکره بصورت «سمبل» در آمده و با دیدن آن بر اثر تداعی معنایی عناصر چهار گانه مقدس در ذهن جای گزین می‌شده و احترامات مذهبی مقرر بعمل می‌آمده است.

ترکیب عناصر چهارگانه  
چرخ آفرینش را می‌چرخاند  
و نظام هستی دوام می‌یابد




کتابخانه ملی و سه نسخه‌ای


شکل ۱۵

### نقوذ در اسلام

پس از ظهور کیش اسلام و گرایش ایرانیان به آئین نوین، بسیاری از عقاید، ترادادها و هنرها از فرهنگ نیرومند و غنی ایرانی به کشور های اسلامی راه یافت و در آئین اسلام تأثیر گذاشت.

تازیان شیوه حکمرانی و ترکیب سازمان ادارات دولتی را از ایرانیان گرفتند و تا ۱۸۰ سال پس از ظهور اسلام ادارات دولت اسلامی برشالده ادارات عصر ساسانی پی‌ریزی شده بود و سکه های ساسانیان رواج داشت. مدتها وزیران ایرانی حکومت می‌کردند و دانشمندان ایرانی فقه و اصول و دستور زبان عربی می‌نوشتند و بتدریس اشتغال داشتند.

سنت احترام به آب و روشنائی از جمله سنت‌هائی است که میتوان گفت از ایران وارد سنت کشور های اسلامی شده است. سوگند هائی هانند: «باین سوی تجلی» اشاره به روشنائی چراغ و یا «قسم به اجاق گرم مرتضی علی»، افروختن چراغ و شمع در گذرگاهها و اماکن و گور بزرگان، دنباله همان تقدیس آب و آتش میباشد. از جمله علامت  که چهره مذهبی و مقدس نیز داشته از میان نرفته و همچنان بانفوذ گذشته خود در دوره اسلامی باقیمانده و گاهی نیز برای بقاء و دوام آن، ایرانیان فکور و خوش ذوق آنرا با نام بزرگان دین نودر آمیخته و به حفظ و نگاهبانی آن کوشیده‌اند. نمونه هائی از این نشانه در آثار بازمانده از دوره های اسلامی فراوان است و ماچند مورد آن را در زیر بیان میکنیم.

۱ - در بخش اسلامی موزه ایران باستان در چوبی کنده کاری شده‌ای بامضای «مرجان بن عبدالله» وجود دارد که در سال ۷۵۴ هجری ساخته شده و روی آن علامت  بصورت برجسته در بالای دایره سمت راست و علامت + در بالای دایره سمت چپ در کنده شده است. این در، درمازندران بدست آمده و بشماره ۳۳۰۷ در دفتر موزه به ثبت رسیده است.

۲ - پشقاب لعابداری مربوط به سده چهارم هجری در شهر ری بدست آمده است که بر روی آن پیکره شیری نقش شده که دم پشم آلود و دست راست خود را بلند کرده است و بر بالای نقش شیر نزدیک سر جانور، نگاره‌ای دیده میشود که هم شبیه ستاره است و هم شبیه نشانه مورد بحث که کمی در هم فشرده و شاخه‌های آن بداخل پیچانده شده است.

با توجه باینکه آثار باقی مانده از این نقش را در گذشته بر روی بدن شیر که جانوری دلیر و پر جست و خیز و چابک است، نقش نموده‌اند، نگارنده میپندارد که این شکل معرف و نماینده گردونه خورشیدمی باشد که بتدریج وضعی را که در شکل دیده میشود یافته است و این شکل چون در شماره نخستین



شکل ۱۶

در با نشانه + و ۳۶ از دوره اسلامی





یکی از دایره های در شکل ۱۶ که نشانه هادرآن دیده میشود

تصویرهایی است که شیر را با چنین نشانه‌ای نشان میدهد میتوان آنرا ستاره یا خورشید هم دانست .




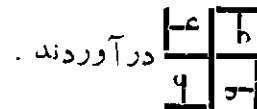
شکل ۱۷

نقش شیر بر پشقاب، ری، سده چهارم

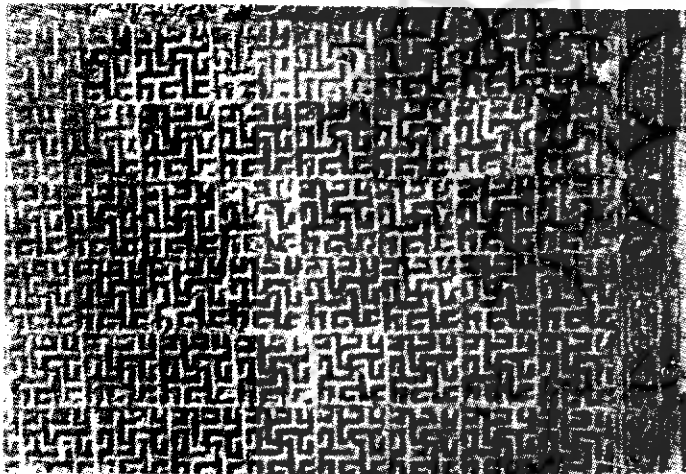
اگر از رابطه نجومی که ستاره‌شناسان قدیم، بخصوص در این دوره میان منطقه البروج و هفت ستاره که خورشید را هم جزو آن میدانستند، و از آن جمله برج اسد را خانه خورشید میانگاشتند، صرف نظر کنیم، میتوان گفت: این نشانه آریائی کم کم از روی ران شیر به بالای سر شیر انتقال پیدا کرده و رفته رفته مانند تصویر ۱۷، شاخه‌های آن فشرده شده، شکل ستاره گرفته و مرور زمان بصورت خورشید درآمده است و مبنای سابقه شیر و خورشید «علامت دولت شاهنشاهی ایران» گردیده و ارزش نشانه‌ای (سمبولیک) یافته است. ۱۸.

۱۸ - برای آگاهی بیشتر به کتاب پرچم و نیکرۀ شیر و خورشید، چاپ دوم، ۱۳۴۸ تألیف نگارنده مراجعه شود.

۳- رفته رفته این نشانه  که خود معرف و نموداریک رشته سنت و عقاید آریائی بود در اسلام نفوذ یافت و با اعتقادات ایرانیان مسلمان بخصوص آن قسمت از اعتقادات که نسبت بخاندان پیامبر «ص» بویژه حضرت امیرالمؤمنین علی «ع» بود در آمیخت و معماران و هنرمندان و کاشیکاران ایرانی، این نقشها را بر درها و بر کاشیکاریهای مساجد رسم نمودند، لیکن آنرا به این صورت



هم اکنون این نقش را بگونه‌ای دیگر بر کاشیکاری سر در شرقی بقعه بایزید در بسطام میتوان مشاهده کرد . ۱۹



شکل ۱۸

کاشیکاری سر در ورودی

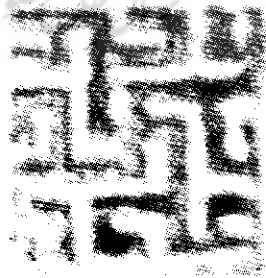
بقعه بایزید در بسطام

با نشانه 

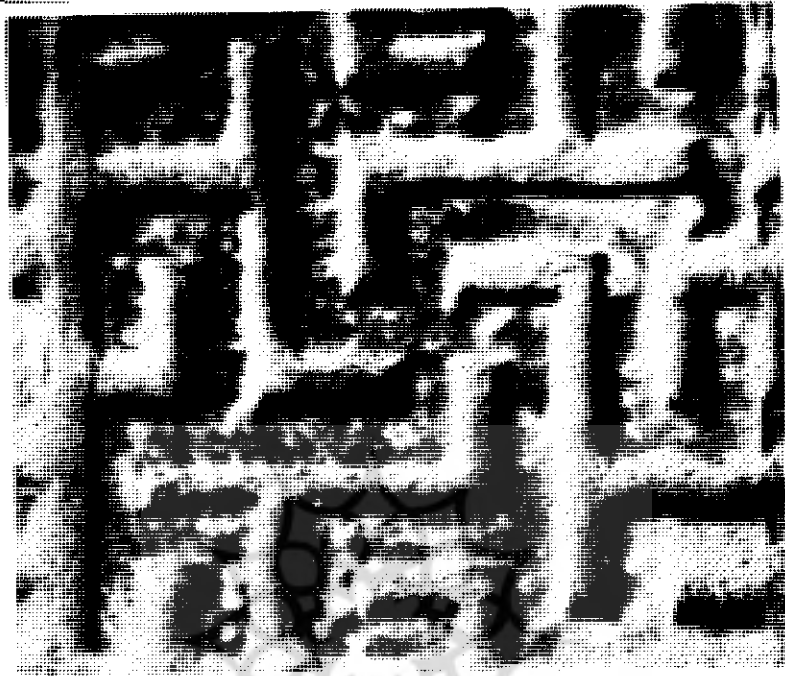
یکی از نقوش کاشیکاری

بقعه بایزید در بسطام که

بزرگتر نموده شده است



۱۹ - عکس از کتاب معماری اسلامی در دوره ایلخانان، نوشته دونالد ویلبر، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران ۱۳۴۶، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. عکس صفحه بعد از بخش فرهنگی وزارت دربار شاهنشاهی



نونه‌ای از کاشیکاری بقعه بایرید در بسطام

۴ - من شنیده بودم گنبد علویان در همدان نیز دارای این نشانه می باشد، در سفر اخیر که در فروردین سال ۱۳۵۱ دست داد به محل گنبد علویان که در حال حاضر دبیرستان علوی همدان در خیابان باباطاهر است رفتم.

گنبد این بنا که در زیر زمین آن مقبره سید محمد نوربخش معروف به علوی (از اهالی خراسان و یکی از بزرگان شیعه) قرار دارد، فرو ریخته است و بر روی آن شیروانی زده اند.

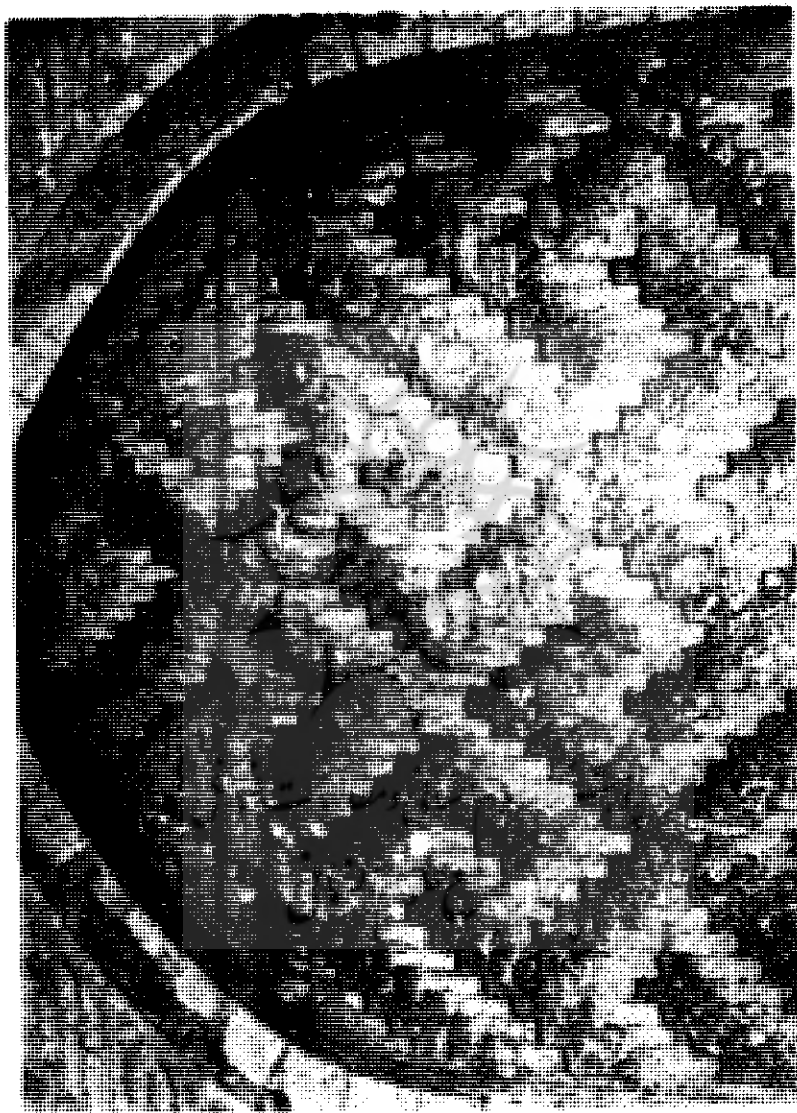
بنا با آجر ساخته شده و از کف زمین بلندتر و همانند بسیاری از بناهای تاریخی قسمتهائی از آن ویران شده. در روزگار گذشته یک راهروی زیرزمینی، سردابه این بنا را به خانه روحانی مزبور هدایت می کرده است ۲۰ بدنه های بیرونی ساختمان از نقش های «با آجر» که با جزئی خطوط

۲۰ - این آگاهی مختصر را آقای میرسان دهکان یکی از دبیران دبیرستان علوی بمن داده اند.

اضافی «مانندسقف ایستگاه راه آهن تهران» بیکدیگر پیوسته و شبکه بزرگی از این نشانه فراهم آورده ، پوشیده شده است .



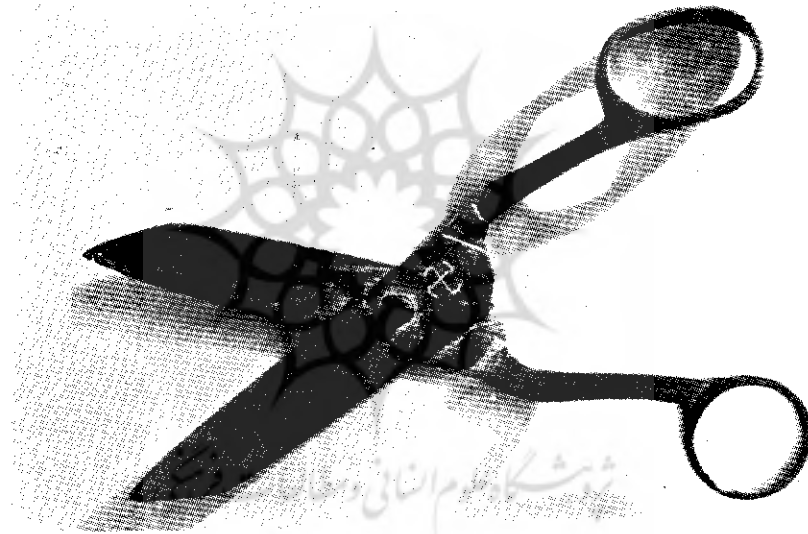
شکل ۱۹ - همدان، نمای بیرونی گنبد علویان



شکل ۴۰

قسمتی از آجرکاری نه‌ای بیرونی بنای گنبد علویان در همدان

۵- در لحظات واپسین که این مقاله تحقیقی پایان میرسد، سرکار سرهنگ بازنشسته بابا مقدم با دیدن عکسهای این مقاله بیاد آوردند که از دوران کودکی یک قیچی باغبانی در خانه خود دارند که بر روی آن نشانه گردونه مهر با اندک تغییری وجود دارد. ایشان با گشاده روئی قیچی مزبور را در اختیار گذاردند تا از آن عکسی تهیه شود. البته باید دانست که محل ساخت و تاریخ ساخت آن روشن نیست، لیکن متجاوز از شصت سال است که از این قیچی در کارهای باغبانی استفاده میشود. ۲۱



شکل ۲۱ - قیچی باغبانی با نشانه گردونه

۲۱- نویسنده از سرکار سرهنگ بابا مقدم سپاسگزار است و امید است اگر بازم اطلاعاتی بدست آوردند اداره مجله را آگاه فرمایند.

## اوستا چه میگوید

در پیش گفتیم که شمال و شمال غربی ایران مرکز مهرپرستان بوده است. پلوتارک میگوید: (هرمز در عالم معنوی به نور شبیه است و اهریمن بتاریکی و میان این دو مهر قرارداد). ۲۲ مهر در آئین های کهن و یا بسزبان پهلوی پرورد گار و آفریدگان. میثر «Mithra» یا Mitra و یا بسزبان پهلوی «Mitr» و بسزبان فارسی «مهر»، بمعنی وظیفه و تکلیف دینی هم آمده است. در فرگرد چهارم و نندیداد که بخشی از کتاب اوستا است در آنجا که از معاهده و پیمان و عقد قراردادها بحث و گفتگو میکند، واژه «مثر» بمعنی عهد و پیمان آمده است.

«میترا» در هندوستان مانند «میثر» در اوستا پاسبان راستی و پیمان است و از اینجاروشن میشود که مهر نزد هر دو گروه آریائی «ایرانیان و هندیان» مقدس و درخور ستایش و بزرگداشت بوده است. بر سنگ نبشته اردشیر دوم هخامنشی در خرابه های شوش چنین نگاشته شده است: «این ایوان را داریوش از نیاکان من بنا نمود، سپس در زمان اردشیر پدر بزرگ من در آتش بسوخت. من بخواست اهورا مزدا و آناهیتا و میثر دوباره این ایوان را ساختم. بشود که اهورا مزدا، آناهیتا و میثر مرا از همه دشمنان حفظ کنند و آنچه من ساخته ام خراب نسازند و آسیب نرسانند» همچنین در سنگ نبشته اردشیر سوم در تخت جمشید آمده است که: «اهورامزدا و بغ میتر مرا و این مملکت را و آنچه را که بتوسط من ساخته شده است باید نگهداری کنند».

یشت دهم در اوستا بنام (مهریشت) در ستایش و بزرگداشت مهر است. در آئین مزدیسنا مهر فرشته پیمان، فرشته نگهبان راستی و دلیری و فرشته فروغ و روشنائی و جنگ میباشد. این فرشته بزرگ و ارجمند که نگاهبان پیمانها و کیفر دهنده پیمانها -

۲۲ - برای آگاهی بیشتر به اوستا، یشتها گزارش پوردادود، صفحه ۴۰۶ مراجعه شود.



شکنان است از فراز کوه «هرا» کشورهای آریائی را زیر نظر دارد.

کردهٔ ۴ مهریشت میگوید :

« مهررامیستائیم که دارای دشتهای پهن است. از کلام راستین آگاه است. نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فنا ناپذیر تیزاسب در بالای کوه هرا برآید و از آنجا آن مهر بسیار توانا تمام منزلگاهان آریائی رامینگرد». مهر به کشور پاکان و راستان فرو فروغ میبخشد و از پیمان شکن و کشور دشمن فروپیزی را باز میستاند. توانا و آگاه و نیروی بینایش زیاد است. ۲۳ در داستانهای دینی آمده است که مهر با جنگ افزارهای بایسته مانند کمان، تیر، نیزه، تبرزین، گرز، خنجر به گردونه زرین که دارای چرخهای بلند و درخشان است نشسته و بجالا کی گرد جهان میچرخد.

فرشته پیروزی «بهرام» و فرشته فرمانبرداری «سروش»، فرشته دادگری، «رشن»، فرشته درستی «ارشتاد»، فرشته نیک بختی و فراوانی «پارند» و فرشته توانگری «ارت» در پیرامون مهر میتازند و باین ترتیب فرشته مهر از راستی و دلیری پشتیبانی میکنند و دروغ و پیمان شکنی را پشیمان میسازد و به جنگجویان دلیری و نیرو میبخشد. مهر با خورشید یا هور جدائی دارد، چنانکه در بخشهای اوستا این دگرگونی بروشنی دیده میشود و در اوستا یشت دیگری بنام خورشید یشت وجود دارد. مهر که مورد توجه شاهان و لشکریان ایران زمین بود در کشورها و سرزمینهای دیگری که زیر فرمان ایرانیان در آمد شهرت یافت و رفته رفته با الهه محلی خورشید در آمیخت و یکی شد. لیکن بن و ریشه آریائی خود را حفظ کرد. عقاید مهر پرستی (میتراثیسم) از ایران به بین النهرین و آسیای کوچک و در تماسها و ارتباطات سیاسی و اجتماعی به یونان و روم رفت و در عیسویت نفوذ کرد.

در سرزمینهای اروپا مهر پرستی نخست در میان ارتشیان یونان و روم رواج گرفت زیرا اینان نخستین گروههایی بودند که در نبردهای ایران و

یونان در کرانه‌های اژه با سربازان هخامنشی روبرو شدند و با ویژگیهای این فرشته و سرانجام «میترائیسم» آشنائی پیدا کردند. بسیاری از سرداران و امپراطوران رم پرستشگاههای بزرگی برای مهر ساختند و زیر تأثیر و نفوذ فلسفه مهری با کیش عیسی به مبارزه برخاستند و اگر این پیکارهای عقیدتی ادامه یافته بود جهان کیش و راه مهری را پذیرفته بود. با آنکه شکست‌ها بمذهب مهر وارد شد و مهر پرستان بخاک و خون غلتیدند و بناچار معابد خود را به زیر زمین انتقال دادند، باز هم بسیاری از سنت‌ها و آداب خود را در مسیحیت وارد کردند.<sup>۲۴</sup>

مهر در آئین زردشت یکی از فرشتگان و آفریده اهورامزدا بشمار آمده و این مفهوم را کرده ۱۳ مهر یشت بخوبی میرساند.

با آنکه اهورامزدا در کرده «۱» مهر یشت به زردشت میگوید: «من مهر دارنده دشتهای فراخ را همانند خویش در خور پرستش و ستایش آفریده‌ام» مع هذا لك مهر دستهارا بسوی اهورامزدا بلند نموده و این چنین گله میکند: «من پشتیمان همه آفریدگانم ای خوب کنش، من پاسبان همه آفریدگانم، ای خوب کنش، لیکن مردمان در ستایش از من در نماز نام نمی‌برند آنگونه که دیگر ایزدان را نام می‌برند و می‌ستایند.»<sup>۲۵</sup>

### گردونه مهر

در برگهای پیش باسناد کرده ۴ مهر یشت گفتیم که مهر بر گردونه زیبا و پر تحرکی سوار است و همه گونه افزارهای جنگی در گردونه دارد و فرشتگانی او را در گرداگرد جهان همراهی میکنند.

گردونه اش سبک بال، تندرو، مینوی و جاودانه و جهان پیما است.

«مهر را میستائیم که دارای دشتهای پهن است، که از کلام راستین آگاه است، زبان آوری که دارای هزار گوش است. کسی که با گردونه چرخ بلند

۲۴- برای آگاهی بیشتر به جزوه دین مهری، دکتر ناصرالدین شاه حسینی، چاپ ۱۳۴۸ مراجعه شود.

۲۵- کرده ۱۳ بند ۵۳ مهر یشت. ۲۶- کرده ۱۳ بند ۵۴ مهر یشت.

بطرز مینوی ساخته شده از کشور « آرزی » بسوی کشور « خونیرس » می‌شتابد . از نیروی زمان و از فرمزا آفریده و از پیروزی اهورا داده برخوردار است . ۲۷ »

« گردونه‌اش را ارت نیک بلند پایه میگرداند . دین مزاد راه را برای او آماده ساخت تا که او بتواند راه را خوب پیمود . ۲۸ »

مهر دارنده دشتهای فراخ از گز زمان « عرش » درخشان روان گردد ، کسی که گرداننده گردونه‌ای است زیبا و یکسان و برازنده بازینتهای گوناگون آراسته و زرین ۲۹ . گردونه مهر را زیباترین و درستکارترین مخلوق میگرداند و این گردونه را خرد مقدس آفریدگار ساخته و از زینت ستارگان آراسته شده است . ۳۰

باین ترتیب و با آنچه از مقایسه خورشید یشت و مهریشت برمی آید و نیز ملاحظه می‌شود که خورشید در روایات دینی گردونه‌ای نداشته و گردونه خاص مهر بوده است ؛ و با توجه به اینکه مهر پرستی از آئین های بزرگ جهان بوده و یاد آور عهد آریائی هائی کهن می‌باشد که رفته رفته با اصول آئین زردشت و فلسفه مزدائیسیم در آن اصلاحاتی بعمل آمده است ، آیا بهتر نیست که این نشانه را «𐬨𐬀» گردونه مهر بلند پایه بدانیم ، نه گردونه خورشید ؟

زردشت برای گسترش مزدا پرستی از اهمیت ایزدان کاست و مهر را که پایه خدایی یافته بود یکی از ایزدان آئین خود بشمار آورد .

با نگرش باینکه نشانه «𐬨𐬀» به شاهین و فروهر هم بسیار نزدیک است ، میتوان پنداشت در زمانی که از اهمیت مهر کاسته شد نشانه مقدس میترا ئیسیم رفته رفته به شاهین مبدل شده و شاهین و نگاره فروهر تمام جاذبه معنوی و روحانی این نشانه را گرفته و مظهر فروشکوه مینوی گردیده است .

۲۸- کرده ۱۷ بند ۶۸

۳۰- اقتباس از کرده ۳۴

۲۷- کرده ۱۷ بند ۶۷

۲۹- کرده ۳۱ بند ۱۲۴ مهریشت



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی